

نشانه‌شناسی اجتماعی رمان بیوتن

سهیلا فرهنگی*

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور رشت

معصومه باستانی خشک‌بیجاری

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور رشت

چکیده

نشانه‌شناسی یکی از رویکردهای پژوهشی است که به بررسی و تحلیل نشانه‌ها و درک معانی نهفته در آن‌ها می‌پردازد. در این مقاله نگارندگان کوشیده‌اند نشانه‌های اجتماعی در رمان *بیوتن*، یکی از رمان‌های معاصر، را بررسی کنند. *بیوتن*، نوشته رضا امیرخانی، از داستان‌هایی است که می‌توان جلوه‌هایی از هویت، فرهنگ، و آداب و رسوم اجتماعی را در آن به‌وضوح مشاهده کرد. این رمان مانند رمان‌های پسانوگرا ترکیبی از تخیل و واقعیت را به‌نمایش می‌گذارد. بخش زیادی از وقایع *بیوتن* در خارج از ایران می‌گذرد و تقابل فرهنگ و آداب اسلامی و ایرانی با فرهنگ غربی، و تقابل انسان‌ها با خود، با یکدیگر و با محیط زندگی در آن کاملاً مشهود است. از این‌رو، نشانه‌های مربوط به هویت، از قبیل دین، خوراک، پوشاک، شغل و غیره، و همچنین نشانه‌های آداب معاشرت در رمان *بیوتن* ردیابی و تجزیه و تحلیل شده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و بیانگر تنوع نشانه‌ها و توجه ویژه نویسنده به درون‌مایه اجتماعی، فرهنگ و اعتقادات است. تقابل فرهنگی میان شخصیت‌ها، توجه به جنبه‌های اعتقادی زندگی، بازتاب مسائل اجتماعی و بهره‌گیری از شیوه‌های گوناگون ارتباط کلامی و غیرکلامی در شخصیت‌پردازی‌های این رمان کاملاً نمایان است. نقش محوری دین، کاربرد فراوان آیات قرآنی، بحران هویت، و تمایز طبقات اجتماعی در پوشاک، خوراک، شغل و مسکن از مباحثی است که در این مقاله به آن‌ها پرداخته شده است.

فصلنامه تخصصی *فکر ادبی*، س. ۷، ش. ۲۵، بهار ۱۳۹۳ (صص ۱۵۱-۱۲۱)

* نویسنده مسئول: S_farhangi@pnv.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲ / ۱۱ / ۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲ / ۷ / ۵

واژه‌های کلیدی: نشانه‌شناسی اجتماعی، تقابل فرهنگی، رضا امیرخانی، بیوتن.

۱. مقدمه

پی‌یرس^۱ نشانه‌شناسی را دانش بررسی تمام پدیدارهای فرهنگی می‌دانست که به نظام‌های نشانه‌شناسیک تعلق داشته باشند. او و چارلز ویلیام موریس^۲ - که کوشید کار پی‌یرس را در زمینه نشانه‌ها، به‌ویژه در گستره رفتارگرایی ادامه دهد- بر این باور بودند که دامنه نشانه‌شناسی بسیار گسترده است، هر نوع ارتباطی را دربرمی‌گیرد و هرچیز که بر چیز دیگر دلالت کند، در قلمرو آن جای خواهد داشت (احمدی، ۱۳۸۳: ۷). نشانه‌شناسی مطالعه نظام‌مند همه عواملی است که در تولید و تفسیر نشانه‌ها یا در فرایند دلالت شرکت دارند (مکاریک، ۱۳۸۴: ۳۲۶).

شاید بتوان مایکل هالیدی^۳ را از اصلی‌ترین پرچم‌داران رویکرد نقش‌گرایی به زبان و معرفی‌کننده نشانه‌شناسی اجتماعی دانست. نشانه‌شناسی اجتماعی یکی از رویکردهای نگرش بر معناست که به فرایند معناپردازی در بستر اجتماع و فرهنگ تأکید دارد. معنا حاصل برهم‌کنش ذهنیت معناساز و ذهنیت معناپرداز از یک سو و نظام زبانی‌ای که به کار گرفته می‌شود و زیستگاه اجتماعی و فضای اجتماعی- فرهنگی از سوی دیگر است که هیچ‌یک از آن‌ها را نیز به‌آسانی نمی‌توان از دیگری متمایز کرد و هر یک به‌نوعی درون دیگری قرار دارد (ساسانی، ۱۳۸۹: ۸).

درحالی که برخی نشانه‌شناسان دیدگاه‌های ساختارگرا را در نظام‌های صوری پذیرفته‌اند که بر مطالعات دقیق روایت، فیلم و تلویزیون تمرکز می‌کنند، بسیاری دیگر نیز سراغ نشانه‌شناسی اجتماعی رفته‌اند. یکی از توجهات اساسی این رویکرد به چیزی است که اغلب «فرایندهای دلالتی خاص» نامیده می‌شود. این نشانه‌شناسان - که نشانه‌شناسی پس‌ساختارگرا را تمرین می‌کنند- بر چیزی به نام «فرایند نشانگی اجتماعی» تأکید دارند؛ اما اینکه این نوع نشانه‌شناسی تا چه حد به جامعه‌شناسی نزدیک می‌شود، جای بحث و تردید است (چندلر، ۱۳۸۶: ۳۱). به هر روی، آنچه در این مقاله باعنوان نشانه‌شناسی اجتماعی مطرح می‌شود، زیرشاخه‌ای از تحلیل‌های

نشانه‌شناختی است و بر مباحثی مانند فرهنگ، هویت، آداب و رسوم، معاشرت و... و در واقع، رمزگان‌های اجتماعی تمرکز دارد.

رویکردهای نشانه‌شناختی در عصر حاضر جایگاه مهمی به دست آورده‌اند. در این پژوهش، بازتاب واقعیت‌ها و مسائل اجتماعی در رمان *بیوتن*، اثر رضا امیرخانی، با رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی و روش توصیفی - تحلیلی بررسی و تحلیل شده است. در آثار رضا امیرخانی دریچه‌ای تازه از زندگی و واقعیت‌های اجتماعی به روی خوانندگان گشوده می‌شود. *بیوتن* یکی از آثار معروف این نویسنده است که می‌توان آن را از زوایای گوناگون بررسی کرد.

بیوتن با درون‌مایه اجتماعی - اعتقادی خود تفاهم و تقابل آدم‌ها با خویش، با یکدیگر و با محیط زندگی را در هسته‌ای از واقعیت، تخیل و رؤیا نشان می‌دهد (ابراهیم‌زاده گرجی، ۱۳۸۷: ۶۸). به نظر می‌رسد این رمان - که به چاپ یازدهم نیز رسیده است - از ظرفیت خوبی برای بررسی‌های نشانه‌شناختی، به‌ویژه مطالعه نشانه‌های اجتماعی برخوردار باشد؛ زیرا نویسنده با انتخاب شخصیت‌هایی ملموس و امروزی و با شکل دادن ماجراهای رمان در فضایی که برای نسل امروز جاذبه‌های فراوانی دارد، بسیاری از مسائل اجتماعی را به صورت مستقیم و غیرمستقیم به تصویر می‌کشد.

۲. پیشینه پژوهش

درباره رمان *بیوتن* چند مقاله و پایان‌نامه نوشته شده است. بررسی و تحلیل محتوایی *رمان‌های رضا امیرخانی* (رحیمی‌پور حکیمی، ۱۳۸۸) و *بررسی تطبیقی عناصر داستان در دو رمان ارمیا و بیوتن* (رئوفی، ۱۳۹۱) عنوان دو پایان‌نامه و «بررسی و تحلیل رمان *بیوتن* با تأکید بر عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی» (گرجی و حامدی، ۱۳۸۹) نیز عنوان مقاله‌ای در این زمینه است. درباره نشانه‌شناسی متون داستانی نیز می‌توان از مقاله «نشانه‌شناسی اولین رمان اجتماعی ایران» (نقابی و قربانی، ۱۳۸۹) و «نشانه‌شناسی مرکززدایی و انزوای سوژه در داستان *سگ ولگرد*» (فتحی، ۱۳۹۰) یاد کرد؛ اما درباره نشانه‌شناسی رمان *بیوتن* پژوهشی منتشر نشده است؛ به همین دلیل در پژوهش حاضر نشانه‌شناسی اجتماعی

رمان بیوتن بررسی شده است تا با کشف روابط و لایه‌های درونی اثر، درک بهتر و جامع‌تری از آن میسر شود.

۳. خلاصه رمان بیوتن

ارمیا، شخصیت اصلی رمان، جانباز دفاع مقدس است که پس از جنگ بر اثر سرخوردگی‌ها و مشکلات ناشی از آن، راهی آمریکا می‌شود. او که هنوز حال‌وهوای آن روزها را در سر دارد، سه‌شنبه هر هفته به مزار شهدا می‌رود و با دوست و هم‌رزم دیرینه‌اش، سهراب، گفت‌وگو می‌کند. در یکی از این روزها که برای زیارت قبور شهدا رفته بود، با آرمیتا آشنا می‌شود. آرمیتا دختری ایرانی و مقیم آمریکاست و در آنجا در شرکت تحقیقات مذهبی کار می‌کند. این آشنایی و عشق به آرمیتا عامل دیگر مهاجرت ارمیاست. ورود ارمیا به آمریکا با مشکلات خاصی، مانند مسکن، شغل، خوراک و حتی تضادهای فکری با آرمیتا همراه می‌شود. ازدواج او با آرمیتا، آشنایی با اشخاصی مانند خشی، دیدار با حاج‌مهدی فرمانده گردان ۴۸ و گرفتاری ارمیا در دادگاهی محلی به جرم قتل و اخلال در نظم عمومی از قسمت‌های دیگر این رمان است.

۴. نشانه‌های اجتماعی در بیوتن

رمزگان‌های اجتماعی نوعی سازمان‌بندی جامعه و سازمان دلالتی آن هستند. این رمزگان‌ها از انسان‌ها یا گروه‌ها و روابط میان آن‌ها سخن می‌گویند. گیرو^۴ (۱۳۸۳: ۱۱۶-۱۱۹) نشانه‌های اجتماعی را به دو دسته نشانه‌های هویت- که تعلق فرد به یک گروه اجتماعی یا اقتصادی را بیان می‌کند- و نشانه‌های آداب معاشرت- که بیانگر چگونگی روابط میان افراد است- تقسیم می‌کند. در این پژوهش نیز نشانه‌های اجتماعی در دو دسته اصلی نشانه‌های هویت و نشانه‌های معاشرت در رمان بیوتن بررسی شده است.

۴-۱. نشانه‌های هویت

هویت عامل تمایزدهنده هر فرد، گروه یا ملتی از دیگران است. بدیهی است که جست‌وجوی همه عوامل کوچک و بزرگی که در تکوین هویت اجتماعی مجموعه‌های انسانی مؤثرند، کار دشواری است و مهم‌تر از آن، درک اهمیت‌های زمانی و مکانی یک

یا چندین مجموعه خاص و تفوق استثنایی آن‌ها در برهه‌ای معین است. پیوستگی امور اجتماعی نیز از نکاتی است که تعیین حدود مرزها را دشوار می‌کند (شعبانی، ۱۳۷۷: ۱۰۶). برای مثال، چگونگی خوردن صبحانه گاه نمودی از آداب معاشرت است و گاهی طبقه اجتماعی افراد، شرایط اقتصادی موجود آن‌ها و حتی هویت دینی‌شان را نشان می‌دهد (خوراک حلال و حرام مثال‌هایی از این موارد است). در *بیوتن* به هر سه جنبه از خوراک برمی‌خوریم. در مورد بسیاری از نشانه‌ها وضع همین‌گونه است. هویت نیز در *بیوتن* نمادهای مختلفی دارد؛ دین، لباس، نام‌ها و القاب، شغل‌ها، مکان‌ها و... (شکل ۱) نمونه‌هایی از این موارد است که در ادامه بررسی می‌شوند.



شکل ۱ نشانه‌های هویت در *بیوتن*

۴-۱-۱ دین

گرایش به پرستش در همه دوره‌های تاریخی بشر وجود داشته است. در جوامع ابتدایی، قبل از شکل‌گیری نهادها و تحول‌پذیری آن‌ها، انسان دارای گرایش فطری به خدا و پرستش او بوده است تا بتواند نیازهای درونی خود را از این راه ارضا کند. این گرایش او را وادار می‌کرد موجودی را بپرستد و در ارتباط با او به زندگی‌اش شکل

دهد و آن را استمرار بخشد (زند و کیلی، ۱۳۷۶: ۳۲). دین توانایی جمع کردن قشرهای مختلف را تحت هویتی خاص به نام هویت دینی دارد.

هویت دینی که ریشه در فطرت آدمی دارد، می‌تواند با تکوین و شکوفایی آن پیامدهای مثبتی در حوزه‌های فردی و اجتماعی به دنبال داشته باشد؛ از جمله احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزش‌ها و باورها، هدفمندی و جهت‌دهی فرد و جامعه که خود این امر بازخوردهای مثبت و اثربخش خویش را در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شفافیت و نمود می‌بخشد (اکبری، ۱۳۸۷: ۲۲۴).

دین نقشی محوری در رمان بیوتن دارد. شخصیت اصلی رمان ارمیاست که خود را این‌گونه معرفی می‌کند:

یک آدم نه خیلی معمولی با موهای مجعد و ریش‌های بلند، جوری که هر جوری که لباس بپوشد- ولو شلوار کوتاه- و هر جایی که برود- ولو فرودگاه جی.اف.کی- عبدالله بودنش تابلو است (امیرخانی، ۱۳۹۰: ۱۵).
خدایا! من، ارمیای معمر، جمعی گردان ۲۴ لشکر ۱۰ سپیدالشهدا توی خیابان پنجم نیویورک چه کار می‌کنم؟ (همان، ۳۷).

ارمیا شخصیت متزلزلی است که بین دو نیمه سنتی و مدرن گرفتار است. نیمه سنتی او به نوعی در شرق و مکتب شرقی تربیت یافته که به اصول و اعتقادات شرقی و اسلامی پای‌بند است. این مکتب مانند هاله‌ای فضای داستان را احاطه می‌کند. اما او در مواجهه با نیمه مدرن دچار سرگشتگی است:

با نیمه‌ی سنتی به حلال و حرام فکر نمی‌کنم [...] با چشم سنتی‌م هنوز دست چپ آرمیتا را می‌بینم که به پهلوی خشی، بدن نامحرم سقلمه زده بود، اما دروغ چرا؟ چشم دیگرم که مدرن‌تر است، فقط انگشت چهارم از دست چپ آرمیتا را نگاه می‌کرد تا ببیند آیا حلقه‌ای در آن هست یا نه [...] (همان، ۴۳).

از دیگر مباحث دینی مطرح شده در این رمان، مسئله رجعت است. در تاریخ قصص آمده است: «بعضی هم نوشته‌اند ارمیا نام الیاس^(ع) است» (عمادزاده، ۱۳۷۵: ۶۹۶) و از معجزات الیاس^(ع) احیای مردگان است (رک: همان، ۶۷۸-۶۷۹). گویا امیرخانی به این نکته نیز توجه کرده است. یکی از این موارد هنگامی است که به‌طور اتفاقی حاج مهدی

را می‌بیند: «نکند او هم مثل سهراب آن‌جا باشد؟ نکند همه‌ی شهدا برگشته باشند؟ نکند رجعتی در کار باشد؟» (امیرخانی، ۱۳۹۰: ۲۴۲). در مسئله سوزاندن اجساد شهدا هم آرمیتا می‌گوید: «بشکه آوردند و جنازه‌ی سالم را انداختند توی اسید [...] صورتش عین صورت تو بود ارمی [...] ریش بلند و موی فری و [...]» (همان، ۳۱۶). پیامکی هم که در اواخر رمان به دست آرمیتا می‌رسد، حاج مهدی شماره آن را با شماره قبر ارمیا مطابقت می‌دهد: «نگاه! این شماره‌ی قبر سهراب است [...] چهل و هشت، بیست، صد و چهل و چهار [...] تو گفتی صد و چهل سه [...] می‌شود بغلی‌ش [...] روی مانتیور تلفن هم‌راه، مدام نور بالای اتومبیل‌ها می‌افتد و رد می‌شود.» (همان، ۴۸۰). این مسئله نیز به صورت ایهام شاید بی‌ارتباط نباشد با نوری که سوزی و دیگران در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان دیده‌اند که از سر ارمیا ساطع می‌شد. در رمان به این نور بارها اشاره شده است (رک: همان: ۲۸۶، ۳۸۴، ۳۸۵ و ۴۶۱).

در رمان بیوتن دین را از سه دیدگاه می‌توان بررسی کرد:

۴- ۱- ۱- ۱. مطابقت ارمیا با ارمیای نبی

نویسنده در بسیاری از موارد شخصیت اول داستان، یعنی ارمیا را با ارمیای نبی مطابقت می‌دهد. در صفحات آغازین رمان می‌خوانیم:

البته تورات عهد عتیق بر این باور است که ارمیا یعنی ارمیای نبی. در کتاب ارمیای نبی او را فرزند حلقیا می‌نامد و معاصر یهوایقیم ابن یوشیا و برادرش صدقیا ابن یوشیا از پادشاهان یهودا [...] عهد عتیق، خطاب به او می‌نویسد: بدان که ترا امروز بر امت‌ها و ممالک مبعوث کردم تا از ریشه برکنی و منهدم سازی و هلاک کنی و خراب نمایی و بنا کنی و غرس بنمایی [...] و ارمیا زیر لب می‌گوید: آخر چه جوری؟ (همان، ۱۵).

او در جای دیگری درباره ارمیای نبی می‌نویسد:

کتاب مقدس می‌گوید: کلام خداوند در خشک‌سالی به ارمیا نازل شد. و خداوند به من گفت که بر خیر این قوم دعا منما! چون روزه گیرند. ناله‌ی ایشان را نخواهم

شنید و چون قربانی و هدیه گذرانند، ایشان را قبول نخواهم فرمود بل من ایشان را به شمشیر و قحط و وبا هلاک خواهم فرمود [...]»
 ارمیا فریاد می‌کشد: شیم آن یو! [شرم‌تان باد] (همان، ۲۳۳).
 حضرت ارمیا یا یرمیا^(ع) یکی از پیغمبران بزرگ بنی‌اسرائیل است که نسبتش به بنیامین، فرزند یعقوب^(ع)، می‌رسد (عمادزاده، ۱۳۷۵: ۶۹۶). در *دائرةالمعارف فارسی* نیز او را یکی از پیغمبران بنی‌اسرائیل دانسته‌اند که در زمان یوشیا و جانشینانش مردم را در اورشلیم موعظه می‌کرد و اصرار داشت که مردم از مقاومت بیهوده در برابر بابل دست بردارند و به اصلاح امور داخلی و بهبود امور دینی خود پردازند. به دلیل همین نصایح، او را به زندان انداختند. او پس از سقوط اورشلیم آزاد شد (مصاحب، ۱۳۸۳: ۱۵۳).
 ارمیای پیغمبر کتابی داشت مشتمل بر پنجاه فصل و کتاب مراثی او هم در پنج فصل، شامل اخبار غیب، تاریخ خرابی بیت‌المقدس، اسیری بنی‌اسرائیل و خرابی سرزمین بیت‌المقدس بود. ظهور نبوتش در سال ۷۶۶ ق.م بود (عمادزاده، ۱۳۷۵: ۶۹۷).
 گویا امیرخانی در این رمان برای ارمیا رسالتی پیامبرگونه در نظر می‌گیرد در سرزمینی بی‌پیامبر که حاکم و والی آن فقط پول است: «نویسنده می‌نویسد: امریکا مملکت بی‌پیامبر است [...]» (امیرخانی، ۱۳۹۰: ۱۶۹). «سهراب می‌گوید: من واقعی نیستم. تو هم واقعی نیستی. فقط پول واقعی است [...]» (همان، ۱۴۸). اما آیا ارمیا می‌تواند رسالتش را به‌خوبی انجام دهد؟ پاسخ به این سؤال چندان آسان نیست. به‌نظر می‌رسد ارمیا در انجام دادن رسالت خویش با مشکلات و آزمایش‌های زیادی روبه‌رو بوده؛ اما تلاش کرده و تاحدی هم موفق بوده است. رفتار و سخنان او گاه تلنگری است برای انسان‌های پیرامونش که چنان اسیر زرق و برق‌ها شده‌اند که خود را و وطن خویش را از یاد برده‌اند.

۴-۱-۱-۲. کاربرد آیات قرآنی و احادیث

در بیوتن از آیات قرآنی فراوان استفاده شده است. گاه قسمت اعظم آیه و ترجمه آن با هم در متن آورده می‌شود و گاه نیز به ذکر آیه یا ترجمه آن بسنده می‌شود. در مواردی هم نام سوره و آیه ذکر می‌شود که این مسئله حاکی از آگاهی و بینش امیرخانی در این زمینه است. نمونه‌هایی از کاربرد آیات قرآنی را در عبارات زیر می‌بینیم:

«اما خدا در سوره مبارکه انفال می‌گوید و مارمیت اذرمیت [...] یعنی وقتی تو تیر می‌زنی، تو تیر نمی‌زنی و لکن رمی [...]» (همان، ۱۶).

«اینما تکونوا یدرکم الموت و لو کنتم فی بروج مشیده [...] هر کجا باشید مرگ شما را درک خواهد کرد، ولو در برج‌های بلند» (همان، ۲۵ و ۳۶).

نمونه‌هایی از کلام ائمه معصوم^(ع) نیز در این رمان به چشم می‌خورد؛ مانند:

«و امیرمومنان می‌گوید: چه بسیار ستایش زیبا از من پراکندی، حال آن‌که اهلش نبودم [...]» (همان، ۴۲۲).

«و امامی که زینت پرستندگان بود می‌گوید: خداوندگار، ببخش آن‌که را عباد نمی‌بخشد، و بپذیر آن‌که را بلاد نمی‌پذیرد [...]» (همان، ۴۲۳).

کاربرد فراوان آیات قرآن در رمان بیوتن - که بخش اعظم ماجراهای آن در بلاد کفر می‌گذرد - نشانه آن است که نویسنده قصد دارد هویت اسلامی شخصیت قهرمان داستان را به تصویر بکشد و نشان دهد که مسلمان هرکجا باشد، کلام الهی همراه اوست. به کارگیری حدود سی آیه در این رمان در بین رمان‌های فارسی بی سابقه است.

۴-۱-۱-۳. دین و طبقات اجتماعی

در جوامع صنعتی، اعضای طبقه بالا دوست دارند سمت‌های رهبری را در دست داشته باشند و بیشتر به جنبه‌های ظاهری دین علاقه‌مندند. میزان مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های مذهبی محدود است و بیشتر زمانی به این کار می‌پردازند که رسوم اجتماعی اقتضا کند (کوئن، ۱۳۷۹: ۱۸۴). عبدالغنی نمونه‌ای از این افراد است. او به مناسبت عید فطر چراغ امپیراستیت^۶ را اجاره می‌کند: «حاج عبدالغنی خودش موذن را با بلیت دوسره‌ی دلتا - به خرج ایسلام کلاب فرستاد رصدخانه‌ی گریفیث^۷، نزدیکی لوس آنجلس تا ماه را ببیند و عید فطر را یک روز زودتر اعلام کند» (امیرخانی، ۱۳۹۰: ۲۸۵)؛ زیرا کار پول معطلی ندارد. همچنین، او افطاری مجللی برپا می‌کند. در گفت‌وگوی آرمیتا با ارمیا، ارمیا به این رسوم اشاره می‌کند: «یکی از عرب‌های مایه‌دار نیویورک امشب افطاری می‌دهد. شب نیمه است دیگر. رسم و رسوم دارند. باید برای او یک گوسفند بکشیم [...]» (همان، ۲۱۷).

درمقابل، «اعضای طبقه متوسط گرایش به این دارند که بر یک مبنای اخلاقی و عقلی در برابر جاذبه‌های مذهبی واکنش نشان دهند» (کوئن، ۱۳۷۹: ۱۸۴)؛ درحالی که فقط با محک اخلاق و عقل نمی‌توان تمام امور دینی را توجیه کرد. خشی و بیل نماینده اعضای طبقه متوسط بالا هستند. خشی با استدلال‌های ویژه خود در زمینه امور دینی با ارمیا تفاوت‌های چشمگیری دارد. نمونه‌ای از این استدلال‌ها، استدلال او درباره زمان مصرف‌شده در دست‌شویی عمومی و دست‌شویی فرنگی نسبت به دست‌شویی به‌روش ایستاده و ربط آن با احکام شرع است (ر.ک: امیرخانی، ۱۳۹۰: ۸۷-۸۸) یا اقتدا به آرمیتا و خواندن نماز به‌صورت کامل حتی در سفر (ر.ک: همان، ۹۳-۹۴). از نمونه‌های دیگر، استدلال او درباره سوره یاسین است:

قلب قرآن است سوره‌ی یاسین. همین سوره‌ی یاسین که اتفاقاً به عربی شبیه به یس می‌نویسندش، ابتدایش تشکیل شده است از حروف مقطعه. حروفیه می‌گویند که حرف مقطعه هر کدام نمایان‌گر کلمه‌ای هستند. آیا نباید این را ما متوجه شویم که قلب قرآن یاسین است و یاسین ابری‌ویشن^۸ [اختصاری] یا و سین است و این ۲ حرف به عربی یعنی اول یونایتدستیت؟! (همان، ۲۵۳).

درواقع، خشی فکر می‌کند برای هر چیزی باید استدلالی داشته باشد؛ اما بسیاری از استدلال‌های او ساختگی است.

۴-۱-۲. پوشاک

«پوشش» و «استتار بدن» جزء جدایی‌ناپذیر حیات انسانی است. برای پوشش و لباس کارکردهایی در دو حوزه «فردی» و «اجتماعی» برمی‌شمرند. از کارکردهای فردی آن، پاسخ‌گویی به نیاز فطری خوداستتاری و تأمین امنیت در برابر گرما و سرماست. از کارکردهای اجتماعی پوشش نیز هویت‌بخشی آن است؛ نوع پوشش نشان‌دهنده سنت‌ها، ارزش‌ها و باورهای هر جامعه است (نوری، ۱۳۸۱: ۱۳۲).

در بیوتن لباس جایگاه ویژه‌ای دارد و می‌تواند به‌نوعی ملاک قضاوت درباره شخصیت‌هایی باشد که اجتماع پیرامون خود را می‌سازند. لباس در این رمان گاه روحيات و خصوصیات افراد را بازتاب می‌دهد و گاه جنبه‌ای نمادین می‌یابد. سهراب

رزمنده است؛ اما لباس او لنگ دور گردن و کتانی است، نه چپیه و پوتین که در فرهنگ ما نماد جبهه و جنگ است. در رمان، سهراب متفاوت با شخصیت خود لباس می‌پوشد که آن را می‌توان با روحیه درویش مسلکی‌اش مرتبط دانست. درباره‌ی او می‌خوانیم:

تمام جنگ حتا یک لحظه هم کلاه آهنی سرش نکرد حتی یک بار هم لباس و شلوار فرم برزنتی نپوشید. عشقش کلاه بافتنی بود. خودش می‌گفت کلاه پدرسوخته‌گی. یونیفرمش هم گرم‌کن ورزشی بود با شلوار کردی. پوتین هم پا نمی‌کرد. دلیل داشت، می‌گفت: پاشنه‌اش قیصری نمی‌خواهد. برای همین کتانی پا می‌کرد [...] با این که چپیه کارت شناسایی جبهه بود، او هیچ وقت چپیه به گردن نینداخت. به جایش لنگ گل گردنش می‌انداخت! می‌گفت چپیه مال برویچه‌های جنوبی است. بچه‌ی تهران، آبا و اجدادی با لنگ شوفری حال می‌کرده است! (امیرخانی، ۱۳۹۰: ۳۳).

لباس ارمیا در بیشتر مواقع، شلواری شش جیب و یادآور روزگار جنگ و شجاعت و دلیری رزمندگان است: «ارمیا به دو می‌رود استون [...] تا پس‌اندازش را از داخل شلوار شش جیب سبزرنگش در بیاورد، شلوار شش جیبی که مثل شلوارهای زمان جنگ است و جیب کوچک کنار زانوش تنها مکان مورد اعتماد ارمیاست در این قاره‌ی پهن‌آور.» (همان، ۱۸۱). البته، در مزار شهدا، بدرقه‌ی آرمیتا و در مراسم ازدواجش او را با کت و شلوار نیز می‌بینیم. نویسنده در مواردی این دو لباس را مقابل هم قرار می‌دهد و اوضاع آشفته‌ی ذهنی ارمیا را به تصویر می‌کشد:

صدای ماشین لباس‌شویی نیمه‌مدرن و سنتی را خاموش می‌کند. شش جیب است که می‌چرخد و می‌چرخد و می‌چرخد. از کربلای پنج تا استون نیویورک. از پاک کردن قطرات خون در معراج شهدا تا قطرات خون در مزرعه‌ی اندی و پسران [...] از کجا به کجا؟ از کدام سنت و کدام مدرن حرف می‌زنند در سر ارمیا؟ و حالا ارمیا می‌اندیشد که فردا چه بپوشد؟ شلوار شش-جیب را که روزگاری بچه‌های جنگ حتا توی عقد هم می‌پوشیدندش، یا کت و شلوار هاکوپیان را که ته چمدانش افتاده است؟ (همان، ۲۹۰).

لباس‌ها گاه کارکردی نمادین دارند؛ برای مثال کت و شلوار معمولاً در مراسم رسمی پوشیده می‌شود و کسانی که آن را می‌پوشند، در واقع نشان می‌دهند که به سنت‌ها احترام می‌گذارند. ارمیا نیز هنگام بدرقه آرمیتا و در مراسم ازدواجش کت و شلوار به تن می‌کند و پای‌بند به سنت‌هاست.

اگر پوشش را عمل اجتماعی و معنادار فرض کنیم، نه فقط شیوه‌ای برای محافظت از بدن، باید آن را در قالب‌های تحلیلی معطوف به معنای اجتماعی تفسیر کنیم. نگاه به پوشش به‌مثابه امری نمادین و تلاش برای درک نمادها و کشف معانی آن‌ها به ما کمک می‌کند تا زاویه جدیدی از این مسئله را دریابیم (جوادی یگانه و کشفی، ۱۳۸۶: ۶۲).

در *بیوتن* آرمیتا با پوشش‌هایی متفاوت ظاهر می‌شود و با شخصیتی متزلزل. در مزار شهدا، دختری با مانتو و شال گل‌بهی می‌بینیم که مثل روسری روی سرش انداخته است (ر.ک: همان، ۷۱)؛ ولی در فرودگاه و در استقبال ارمیا او را با چهره‌ای دیگر مشاهده می‌کنیم: با موهای بافته‌ای که پشت سرش انداخته (ر.ک: همان، ۱۰ و ۱۵) که البته، بعد از فرود هواپیما، به‌خاطر ارمیا و به‌ظاهر:

از داخل کیف دستی‌ش دست‌مالی را درآورد. دست‌مال به‌دقت تاشده را باز کرد. خشی با تعجب به دست‌مال نگاه می‌کرد. دست‌مال حریر بود، با گل‌های ماگنولیای بنفش. آرمیتا آن را باز کرد و روی سرش انداخت و مثل روسری گره‌اش را بست. بعد دست‌ش را به پشت سر برد و سعی کرد بافه‌ی موی‌ش را جوری داخل بلوزش جاسازی کند (همان، ۱۲).

این تغییر ظاهر نشانه‌ای از تظاهر او در برابر ارمیا و دلیلی بر بی‌اعتقادی‌اش به پوشش است.

لباس سوزی - که او نیز از مهاجران ایرانی است - دوتکه است: «سوزی روی صحنه می‌آید، با لباس دوتکه. و یک جوراب‌شلواری بلند که تا روی زانوی‌ش بالا کشیده است و کمربندی کشی که دور کمرش بسته است.» (همان، ۱۲۶). این پوشش با فرهنگ ما ایرانیان سازگار نیست. سوزی - همان‌گونه که در جایی از داستان می‌خوانیم - گویا واقعاً بی‌وطن شده است؛ زیرا «فرهنگ برهنگی یا برهنگی فرهنگی در فضای سنتی ایرانیان غریب است و بیگانگی تام و تمام با نهادهای اخلاقی آنان دارد.» (شعبانی، ۱۳۷۸: ۲۵۷).

لباس گاورمنت کت و شلوار و پیراهنی با یقه سه‌دکمه است (ر.ک: همان، ۲۹۶). این لباس پوشش خاصی از کارکنان دولت را نشان می‌دهد که امیرخانی میانه خوشی با آن‌ها ندارد:

«جلو می‌رود و آرام به مرد یقه‌آخوندی می‌گوید: جزو بچه‌های پشت خط هستی، آقای گاورمنت نه؟!»

- پشت خط راه‌آهن؟! خیر! ما پشت اندر پشت و ابا عن جد، از مسجدی‌ها مسجد [...] - پشت خط راه‌آهن نه، پشت خط مقدم جنگ را می‌گوییم [...]» (همان، ۲۹۷). ارمیا «در خیال تصور می‌کند آقای گاورمنت را که اول بار بعد از پیراهن‌های اول انقلابی که روی شلوار می‌افتادند، وقتی کت پوشیده است چه قدر تمرین کرده است تا بتواند در میان قبرهای قطعه‌ی چهل و هشت قیقاچ برود!» (همان، ۳۲۳).

در این رمان، فقط برخی لباس‌ها نشان‌دهنده حرفه خاص و پایگاه اجتماعی افراد است؛ مانند لباس ارمیا هنگامی که راننده لیموزین است با پوشش فراک (ر.ک: همان، ۱۸۰) یا کلاه بیل و دیگر کارکنان شهرک تحقیقات مذهبی: «با دو حرف اختصاری ان.جی. دانش‌گاه نیوجرسی و جمله‌ی زردرنگ "جیزر" رئیس من است.» (همان، ۱۶۹). در صحبت خشی نیز به این مسئله اشاره شده است: «در این کمپانی تحقیقاتی ما راجع به همه ادیان کار می‌کنیم. بدون تعصب یونیفرم کمپانی همین کلاه لبه‌دار است. می‌بینی که: حتا آرمیتا هم روی روسری‌ش گذاشته است.» (همان، ۱۶۸).

لباس سیلورمن هم کلاه‌گیس و بلوز و شلوار جین و کفش ساق‌بلندی است که هفته‌ای یکبار اسپری می‌زد تا براق بماند (ر.ک: همان، ۱۴). این پوشش نیز به‌نوعی بیان‌کننده حرفه و گروه شغلی خاصی است. از آنچه گفته شد به دست می‌آید که امیرخانی از رهگذر لباس به‌خوبی توانسته است هویت، اعتقادات، پایگاه اجتماعی و تمایلات شخصیت‌ها و گروه‌های خاصی از جامعه را به‌تصویر بکشد.

۴-۱-۳. خوراک

تغذیه فعالیتی است برای پاسخ دادن به نیاز زیستی. غذا می‌خوریم تا گرسنه نمانیم و برای فعالیت‌های جسمانی انرژی کافی داشته باشیم. اما خوردن فعالیتی فرهنگی نیز

به‌شمار می‌رود؛ اینکه چه بخوریم، چگونه بخوریم، در چه موقعیتی چه چیزی را بخوریم و در چه موقعیتی نخوریم، سفره یا میز غذا را در موقعیت‌های متفاوت چگونه بچینیم، چه غذا یا غذاهایی شأن و منزلت اجتماعی تولید می‌کنند و... همگی وجوه یک فعالیت فرهنگی معناساز، ارزش‌آفرین، هویت‌ساز و متمایزکننده خود از دیگری‌اند (سجودی، ۱۳۹۰: ۲۳۱).

خوراک در بیوتن یکی از نشانه‌هایی است که بیانگر تمایز قومی و طبقاتی، روابط بین اشخاص و اصول اعتقادی آن‌هاست و این اصول و روابط هویت اجتماعی افراد را نیز تشکیل می‌دهد و از زوایای مختلف در رمان قابل بررسی است. این موارد عبارت‌اند از:

۴-۱-۳-۱. خوراک، متمایزکننده طبقات اجتماعی

برای پی بردن به این مسئله کافی است به مهمانی عبدالغنی اشاره کنیم. این مهمانی به مناسبت عید سعید فطر ترتیب داده شده است و قسمت اعظم هزینه آن را عبدالغنی، جیسن و عرب‌های مایه‌دار تأمین کرده‌اند:

جیسن دست ارمیا را می‌کشد و او را وارد سالن می‌کند. سالن چشم‌گیر است [...] سرویس روی چهار- پنج تا از میزها زرین است و نشان طلایی «لا اله الا الله» وسط میز گذاشته‌اند. سرویس بعضی میزها نقره‌ای با نشان نقره‌ای و سرویس باقی میزها عادی. جیسن توضیح می‌دهد: نشان طلایی، نشان توحید است که برای اعضای است که ماهی دویست دلار به بالا کمک می‌کنند به مجموعه. نشان نقره‌ای، نشان ایمان است، برای اعضای که ماهی صد دلار تا دویست دلار حق عضویت در کلاب می‌دهند. باقی هم مال اعضای عادی که همان حق عضویت ده دلار در ماه را پرداخت می‌کنند. این‌ها فقط همان بچ^۹ [نشان سینه] نشان اسلام را دارند که البته عمومی است و می‌توانند به کت‌شان بچسبانند (امیرخانی، ۱۳۹۰: ۲۲۶-۲۲۷).

همچنان‌که می‌بینیم در این میهمانی سرویس‌های غذا که به نقره‌ای، عادی و طلایی تقسیم شده‌اند، طبقه اجتماعی افرادی را که قرار است از آن‌ها استفاده کنند، نشان می‌دهند.

مسئله دیگر تنوع غذاها در این میهمانی است: مرغ، گوسفند، ماهی و... و مقایسه آن با غذای شخصیت‌های داستان که اغلب به ساندویچی بسنده می‌کنند، یا مقایسه آن با سفره افطار آرمیتا که عبارت است از: «استکان خالی آب جوش. شکر. ظرف‌های کتیف فرنی. خرده‌های نان فطیری که از مغازه‌ی یک یونانی می‌خرند.» (همان، ۱۹۹).

نویسنده به طنز این اختلاف طبقاتی را یادآور می‌شود:

ارمیا محو جامعه‌ی بی‌طبقه‌ی توحیدی اعراب مسلمان نیویورک است. چند نفر بادی‌گارد^۱ [محافظ شخصی] امریکایی ایستاده‌اند و مهمانان را راهنمایی می‌کنند. بعضی مهمان‌ها معترض هستند که بایستی بروند روی میزهای نقره‌ای. گارد جلو آن‌ها را می‌گیرد. از جیب‌شان فیش پرداخت حق عضویت بالاتر را در می‌آورند و نشان می‌دهند و گارد عاقبت اجازه می‌دهد تا بروند دور آخرین میز نقره‌ای بنشینند [...] (همان، ۲۲۷).

۴-۱-۳-۲. خوراک، متمایزکننده اصول اعتقادی

خوراک در بیوتن به عنوان عامل متمایزکننده اعتقادات فرد از دیگران نیز حائز اهمیت است. ارمیا و اصول اعتقادی‌اش او را در خوراک از دیگران جدا می‌کند. ارمیا مدام به دنبال ذبح حلال است و این مسئله ذهنش را به خود مشغول می‌کند: «آرمیتا جواب نمی‌دهد و به من اشاره می‌کند که از روی میز چیزی بردارم. نگران حلال و حرامم» (همان، ۵۸). «آرمیتا آرام زمزمه می‌کند: این فقط ذبح حلال می‌خورد [...]» (همان، ۴۲). البته، او فقط به فکر خودش نیست و مدتی نیز به کار توزیع گوشت حلال در بین مسلمانان می‌پردازد.

۴-۱-۳-۳. خوراک و آداب خوردن

امیرخانی به قواعد و آداب خوردن نیز توجه کرده است. برای مثال، درباره‌ی جیسن می‌خوانیم: «جیسن با سفره‌ای که روی چرخ‌های حمل غذا انداخته‌اند دست‌ش را پاک می‌کند و استخوان ران مرغ را پرت می‌کند کف آشپزخانه. دست ارمیا را با دست راست‌ش که هنوز هم چرب است، می‌گیرد و می‌کشد توی آسانسور.» (همان، ۲۲۶).

پاک کردن دست با سفره، پرت کردن ران مرغ به کف آشپزخانه و با دست چرب دست ارمیا را گرفتن نشان‌دهنده سطح پایین فرهنگی جیس و پای‌بند نبودن او به هنجارهای اجتماعی است.

روش پخت غذا هم مورد توجه امیرخانی است. وی در توصیف نحوه آشپزی و نظافت آن در ضیافت شام عبدالغنی به جزئیات هم توجه می‌کند (ر.ک: همان، ۲۲۳). غذای اغلب شخصیت‌های داستان - چنان‌که گفته شد - ساندویچ است که با نام‌های هات‌داگ، ژامبون و... بیرون از منزل صرف می‌شود و حاکی از فرصت کم افراد برای تهیه غذا و نیز نشانه درگیری‌های شغلی، اجتماعی و اقتصادی آنان است: «جانی با یک ظرف سالاد آماده، دیگران هر کدام با ظرفی و غذایی دیگر. همه‌ی ظرف‌ها هم از جنس آلومینیوم و یک بار مصرف.» (همان، ۵۶). آن‌ها حتی ظرف‌هایشان را هم از ظروف یک‌بارمصرف انتخاب کرده‌اند؛ چون فرصت شستن ظرف‌ها را هم ندارند. اگر هم در منزل کسی جمع شوند، هرکس غذای خودش را می‌آورد و از تعارف‌هایی که ایرانیان بین هم ردوبدل می‌کنند، خبری نیست. صبحانه به سرعت در منزل صرف می‌شود و هرکس غذای خود را آماده می‌کند: «آرمیتا صبحانه خودش را آماده کرده است. شیر و ذرت ورقه شده. به سرعت صبحانه‌اش را می‌خورد.» (همان، ۷۷). «آرمیتا از در خارج می‌شود [...] در را نیمه‌باز می‌گذارد و داد می‌کشد: ارمی! شیر توی یخ چال است.» (همان، ۳۸۲). در این رمان، از نوشیدنی‌هایی، مثل آب‌معدنی، قهوه، چای، کوکا و مشروب نام برده می‌شود (ر.ک: همان، ۴۶، ۹۵، ۱۲۷ و ۱۸۹). درواقع، در سرزمینی که مهاجران زیادی در آن زندگی می‌کنند، نوشیدنی‌های گوناگون و دلخواه نیز برای آنان مهیاست و البته، بعضی افراد مهاجر هم برخلاف دستورات دینی خود، نوشیدنی‌های حرام را هم به راحتی می‌نوشند.

۴-۱-۴. شغل

حیات انسان در جامعه با کار عجین شده است. کار انسان نه فقط با تجربه و دانش او درآمیخته؛ بلکه به صورت یک امر اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، ارزشی و روان‌شناختی جلوه‌گر شده است. مفهوم کلی کار در ارتباط با کنشگران اجتماعی، پدیدآورنده مفهوم

خُردتری به نام اشتغال است. اشتغال به مجموعه فعالیت‌هایی در رسته‌های گوناگون اطلاق می‌شود که هدف آن کسب درآمد در جهت ارضای نیازهای انسانی است (رضی، ۱۳۸۱: ۲۹۶). امیرخانی در بیوتن از این نکته اساسی غافل نبوده؛ تا جایی که فصل چهارم رمان را «پیشه» نامیده و حتی به صراحت در این فصل به مقایسه شغل در ایران و ایالات متحده پرداخته است:

چنان که در فصل پیشین ذکر شد، تا به این جای کار، جناب ارمیای معمر، مشکل مسکن (سکونت در کاندور اشتراکی) و اشتغال خود را (کار به‌عنوان راننده لموزین) حل نموده است. بعد از این در راه ازدواج با سرکار خانم آرمیتا پناهی مشکل جدی نداشته باشد. نه فقط توی ایران، که در همه جای دنیا، مهم‌ترین مانع در راه تشکیل خانواده، دو عامل مسکن و اشتغال می‌باشند. فقط میزان اهمیت این دو عامل در کشورهای مختلف متفاوت است (امیرخانی، ۱۳۹۰: ۱۰۷).

اشتغال از مسائلی است که همواره ذهن انسان‌ها، دولت‌ها و ملت‌ها را به خود مشغول کرده است. هرچند شغل به‌ظاهر به بعد اقتصادی - معیشتی انسان‌ها مربوط می‌شود، با بعد فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آنان نیز ارتباط تنگاتنگ دارد (میردریگوندی، ۱۳۷۹: ۶۴). امیرخانی نیز برای نشان دادن اهمیت این مسئله شخصیت اصلی رمان را در شغل‌های متفاوتی قرار می‌دهد. شغل ارمیا در گفت‌وگو با دوست شهیدش، سهراب، مهندسی عمران است:

دولا می‌شوم که روی سنگش را با دست‌مال خشک کنم. وقتی دولا می‌شوم، مهره‌های کمرم بدجوری به هم می‌ریزند. پشت میز نشستن هم آفتی است. - مگر کارت پشت میز است؟ تو که مهندس عمران شده بودی! - مهندس عمران، فعله نیست که بیل بگیرد به دست! دیگر کار نظارت روی مناره را انجام نمی‌دهم. پشت میز نشین شده‌ام [...] (امیرخانی، ۱۳۹۰: ۶۸-۶۹).

اما آنچه بیشتر در رمان بازتاب دارد، شغل‌های متنوعی است که ارمیا در آمریکا برمی‌گزیند؛ رانندگی با لیموزین یکی از آنهاست و شغل بعدی ارمیا توزیع گوشت حلال است.

شغل‌ها در بیوتن انواع گوناگونی دارند و می‌توان آن‌ها را در چهار گروه جای داد: شغل‌های مرتبط با تحقیقات دانشگاه نیوجرسی، رانندگی، ساندویچ‌فروشی - که شغل اکثریت افراد رمان است- و شغل‌های متفرقه‌ای مانند کارمند بیمارستان، عکاس و

در جوامع صنعتی مردم در چند طبقه اجتماعی دسته‌بندی می‌شوند: طبقه بالا، طبقه متوسط بالا، طبقه متوسط پایین، طبقه کارگر و طبقه پایین (ر.ک: کوئن، ۱۳۷۹: ۱۸۱). طبقه بالا با ثروت انباشته، نفوذ در بخش‌های دولتی و خصوصی، محدودیت تعداد اعضا، درآمد بالا و... از دیگران متمایز می‌شوند. در رمان *بیوتن* عبدالغنی نمونه‌ای از افراد این طبقه است. طبقه متوسط را نیز می‌توان به دو گروه طبقه متوسط پایین و طبقه متوسط بالا تقسیم کرد. از ویژگی‌های طبقه متوسط بالا درآمد و تحصیلات بالا، سطح پایین بیکاری، ارزش قائل شدن به پس‌انداز و آینده‌نگری است. اعضای طبقه متوسط بالا در مشاغل تخصصی یا مدیریت اشتغال دارند و مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی بسیار زیاد است. در این رمان، خشی و بیل در این گروه جای می‌گیرند. در برخی موارد، مانند پس‌انداز و آینده‌نگری به افراط خشی اشاراتی شده است. طبقه متوسط پایین بیشتر شامل کارکنان معمولی دولت و مؤسسات خصوصی، فروشنده‌گان، معلمان و... هستند. سایر شغل‌ها و شخصیت‌ها را در این رمان به‌نوعی می‌توان در این طبقه قرار داد؛ مانند رانندگان تاکسی و اغذیه‌فروشان، مثل جانی، میان‌دار، رضالبنانی و حتی ارمیا و آرمیتا. طبقه کارگر بیشتر از کارگران نیمه‌ماهری ترکیب می‌شوند که در هریک از شاخه‌های صنعتی و بازرگانی به‌چشم می‌خورند. آن‌ها درآمد کمی دارند و بیشتر به فکر برآوردن نیازهای فوری خود هستند. البته، این گروه در *بیوتن* نقشی ندارند. اما طبقه پایین - که در پایین‌ترین سطح جوامع صنعتی پیشرفته قرار دارند- آدم‌های اغلب بیکار و اعانه‌بگیر، ولگردان، گدایان و... هستند که در این رمان می‌توان سیلورمن‌ها را در این گروه قرار داد. در شکل شماره دو طبقات اجتماعی در *بیوتن* نشان داده شده است. در رأس این هرم عبدالغنی و در پایین‌ترین طبقه سیلورمن جای دارد. آنچه بیش از همه در این رمان خودنمایی می‌کند، قرار گرفتن طبقه اعیان مانند عبدالغنی در مقابل طبقاتی مثل رانندگان تاکسی، اغذیه‌فروشان و گدایانی مانند سیلورمن است.



شکل ۲ تحلیل طبقات اجتماعی و رابطه آن‌ها با اشتغال در بیوتن

۴-۱-۵. مکان

مکان زندگی افراد گاه نشانه‌ای از طبقه اجتماعی آن‌هاست. این اختلاف طبقاتی در مقایسه بین خانه آرمینا (آپارتمان کوچک) و خانه خشی (خانه ویلایی) که در چند قدمی یکدیگر واقع شده‌اند، به وضوح دیده می‌شود:

نشسته‌ام منتظر آرمینا که توی آش‌پزخانه‌ی بی‌در و پیکرش ایستاده است و انگار می‌خواهد چیزی درست کند. یک استودیو فلت^{۱۱} [آپارتمان شخصی کوچک] پنجاه متری. دست‌شویی و حمام درهم، آش‌پزخانه‌ی کوچک که با یک کابینت از حال جدا شده است و هالی با دو صندلی و یک کاناپه‌ی تخت شو، دو آب‌آزور و یک میز کار و [...] کنار پنجره ایستاده‌ام و ویلای شماره ۱۹ را نگاه می‌کنم، داج ۹۹ را که پارک شده است داخل گاراژ و چراغ‌های روشن خانه‌ی ویلایی را (همان، ۵۳).

در جای دیگری نیز از قول آرمینا به مکان زندگی و نقش آن در نشان دادن طبقه اجتماعی اشاره شده است: «من توی کاندومینیوم^{۱۲} [مجموعه‌ای از آپارتمان‌های کوچک] روبه‌رویی زنده‌گی می‌کنم. یونیت^{۱۳} [واحد] دوازده، طبقه‌ی چهارم، با خشی به قول خودش فاصله‌ی طبقاتی داریم!» (همان، ۵۲).

نگاه تأمل‌برانگیز امیرخانی به مکان‌ها در جای دیگری از رمان هم مشهود است:

و این فصل، فصل مکان بود، مکان، مسکن و معماری! و تو ای سهراب، به لحن خودت مغز خر نخورده‌ای که خود را دوباره مقید به قید سنگین مکان کنی، پس حق بود که در این فصل قدم نگذاری و رهامان کنی تا برویم به لاس‌وگاس! آخر دنیا [...] (همان، ۱۰۵).

۴-۱-۶. نام‌ها و القاب

نام‌ها از سه جهت در بیوتن قابل بررسی‌اند:

۴-۱-۶-۱. مخفف کردن نام‌ها

امیرخانی از نام‌ها و القاب بسیاری برای شناساندن شخصیت‌هایش بهره می‌گیرد. برخی از این نام‌ها به صورت مخفف و تغییرشکل یافته دیده می‌شوند. جیسن و رمزی هریک تغییرشکل یافته نام‌هایی مانند جاسم و رمضان است: «جیسن جلو می‌آید و به من لبخند می‌زند: جاسم هستم، البته این جا جیسن صدایم بزید به‌تر است.» (همان، ۵۷). ارمی مخفف ارمیا و رمزی صورت تغییر یافته رمضان است؛ هر چند در املائی دو کلمه رمزی و رمضان تفاوت هست و دلیل خاصی در رمان برایش ذکر نمی‌شود. گویا رمزی شخصیتی مرموز است؛ زیرا تا قسمت‌های پایانی داستان هم نمی‌توان پی برد که او پدر خشی است: «برای خود شما هم ارمی مناسب‌تر است. مثل همین میان‌دار خودتان که رمزی صدایش می‌زنند. اصلش رمضان بوده است!» (همان، ۵۸).

۴-۱-۶-۲. نام‌ها و تداعی معانی

اسامی به‌کاررفته در رمان یادآور ارزش‌های مثبت و منفی نیز است و معانی خاصی را به ذهن متبادر می‌کند. شاید بتوان ارمیا را با نگاهی دیگر - که گاه در رمان به آن اشاره می‌شود - با ارمیای نبی مطابقت داد. سهراب - دوست و هم‌رزم شهید ارمیا که به‌نوعی مرشد و الهام‌بخش وی است - می‌تواند به‌نوعی وطن را تداعی کند و شبکه‌ای معنایی از وطن، شاهنامه و سهراب را به ذهن متبادر کند. البته، نام رمان نیز، بیوتن، یادآور معانی گوناگونی است. امیرخانی در جایی از رمان این واژه را معادل وطن

معرفی می‌کند (همان، ۳۸۴)؛ گاه آن را برگرفته از واژه وتین عربی (به معنای رگ گردن) می‌داند (همان، ۱۹۸)؛ گاه معادل Biotin به معنای نوعی ویتامین از گروه ویتامین B (همان، ۳۸۷) می‌شمارد؛ در جایی از رمان هم با واژه بیوتن به یاد آیه‌ای از قرآن می‌افتد که در آن کلمه بیوتن (خانه‌ها) آمده است (همان، ۴۶۹).

۴-۱-۶-۳. ریشه لغوی و معنای نام‌ها

امیرخانی از نام‌های عربی، فارسی و انگلیسی برای نام‌گذاری شخصیت‌هایش استفاده می‌کند. در بیوتن با بازی‌های زبانی فراوانی درباره نام‌ها مواجه هستیم که یکی از این موارد واژه ارمیاست. در رمان می‌خوانیم:

چنان‌که گذشت، *تورات* عهد عتیق بر این باور است که ارمیا یعنی؛ ارمیای نبی، جیسن می‌گوید: ارمیا فعل امر مثنی است از ریشه‌ی رمی. ارمی یعنی تو یک نفر تیر بیانداز و ارمیا یعنی؛ شما دو نفر تیر بیاندازید. و اما نویسنده توضیح می‌دهد که: از نوشته‌ی بالا سر در نمی‌آورد و با دل‌خوری می‌نویسد که ارمیا اسم اولین رمانش بوده است. قصه‌ای راجع به یک شخصیت به نام ارمیا با همان مشخصات فوق‌الذکر (همان، ۱۵-۱۶).

ارمیا نیز اشاره می‌کند: «اسم من، ارمیا، عربی نیست، عبری است اصالتاً.» (همان، ۲۶۶). اسامی دیگر مانند جانی، سوزان، رمزی، خشی و... نیز از این جنبه قابل بررسی‌اند. یکی از معانی جانی، صفت نسبی به معنای عزیز و گرامی مانند جان است؛ یار جانی و یار مهربان. جانی عاشق سوزی است و در جریان محاکمه ارمیا در دادگاه نیز به ارمیا چنین می‌گوید: «ارمیا! خودت را نباز! هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند، حرام‌زاده‌ها! سوزی به من گفته بود که می‌خواهد خودکشی کند. خیلی وقت است [...] همه عاشقی من توی این مملکت بی‌عشق، برای این بود که خودش را نکشد.» (همان، ۴۶۸). در جدول زیر نام‌ها، ریشه و معنای آن‌ها در بیوتن آمده است.

جدول ۱ نام‌ها در بیروتین

نام‌ها	مخفف و تغییر شکل یافته	ریشه لغوی و معنا	تداعی
آرمیتا	آرمی	آرامش یافته	-
ارمیا	ارمی	بزرگ داشته شده	ارمیای نبی
باس	-	رئیس	-
حاج مهدی	-	هدایت شده	قائم
جاسم (قاسم)	جیسن	قسمت کننده	-
خشی	-	ترسو / تیره رنگ	خشایار
رمضان	رمزی	اشاره، مرموز	-
سوزان	سوزی	سوزنده	سوختن
سهراب	-	سرخاب، سرخی و شادابی روی	سهراب در شاهنامه
عبدالغنی	-	بنده بی نیاز	اعراب نیویورک
گاورمنت	-	دولت	گروهی از کارکنان دولت

۴-۱-۷. زبان

زبان افراد گاه بازتاب دهنده هویت آن‌هاست. هویت پدیده‌ای چندوجهی است و در هر دوره یا مرحله‌ای، اثر عوامل مختلف بر آن متغیر است؛ به عبارت دیگر در یک نقطه وجه دینی و در نقطه‌ای دیگر وجه زبانی یا وجه سرزمینی عامل غالب است (خانیک، ۱۳۸۳: ۹). گونه‌های هویتی نشانه‌هایی بیرونی دارند که می‌توان براساس آن‌ها برای هر فردی نوعی هویت قائل شد. هویت را می‌توان عنصری زبان‌شناختی برشمرد؛ زیرا هویت در فرد تجلی می‌یابد؛ یعنی «کنشگری» وجود دارد که از خود نشانه‌هایی بروز می‌دهد و دوم اینکه، کنشگر با بروز قسمتی از گونه‌های نشانه‌ای، درصدد برقراری

ارتباط یا تقابل برمی‌آید و با این ارتباط به تفهیم معنایی از خود می‌پردازد (شعیری و وفایی، ۱۳۸۸: ۷۵).

در رمان *بیوتن* با ارتباطات کلامی متنوعی مواجه می‌شویم که هویت افراد را هم به تصویر می‌کشند. به کار بردن واژه‌های انگلیسی، عربی و فارسی در کنار هم در داستان نمونه‌های زیادی دارد؛ از جمله:

«هی! ببین! ایت ایزنان آو یوربیزنس! ^{۱۴} [به تو دخلی ندارد!] بخور و برو.» (امیرخانی، ۱۳۹۰: ۱۸۲).

«ذبح، طبخ، اکل [...] قلوه [...] قلوه از بیخ عرب شده است این خشی!» (همان، ۱۸۷).
 «عید رمضان الکریم مبروک! هپی فطر تو یو ^{۱۵} [عید فطر مبارک.]» (همان، ۲۸۷).
 در این رمان گویش افراد که نه کاملاً فارسی - انگلیسی - عربی صحبت می‌کنند، با بحران هویت و شناوری زبان در جوامعی چندتکه و با هویت چندگانه تأمل برانگیز است. همچنین، در این رمان کلمات به‌شکلی افراطی از هم جدا نوشته می‌شوند که ممکن است بیانگر گسست و بحران هویت و چندتکه شدن هویت شخصیت‌های داستان هم باشد (گرگی و حامدی، ۱۳۸۹: ۱۶۳-۱۶۴)؛ زیرا بیشتر ماجراهای این رمان و اتفاقاتی که برای شخصیت‌های داستانی رخ می‌دهد، در خارج از مرزهای ایران و در آمریکا می‌گذرد؛ کشوری که بعضی آن را سرزمین آرمانی خود می‌پندارند و مهاجران زیادی از گوشه و کنار عالم را در خود جای داده است. شخصیت اصلی رمان، ارمیا، نیز مدام در مواجهه با مهاجران عرب و ایرانیان مقیم آمریکا قرار دارد و طبیعی است که این ارتباطات کلامی متنوع بین آنان شکل گیرد.

۴-۲. نشانه‌های آداب معاشرت

هنجارهای اجتماعی برای اعضای جامعه مشخص می‌کنند که در یک موقعیت اجتماعی چه نوع رفتاری باید درپیش گیرند و از چه نوع رفتاری بپرهیزند. هر اجتماعی دارای هنجارهای مخصوص است که افراد پیروی از آنها را بر خود واجب می‌دانند و در این میان، آداب و رسوم هنجارهایی‌اند که مشخص می‌کنند افراد در فعالیت‌های روزانه

خود به چه شیوه‌های مورد قبولی رفتار کنند. انسان‌ها این فعالیت‌ها را به شیوه‌ای خورکرده و مرسوم انجام می‌دهند و از معیارهای هنجارمند جافتاده‌ای نیز پیروی می‌کنند؛ مثل تشکر از کمک‌های دیگران، رعایت آداب معاشرت و نظایر آن‌ها (کونن، ۱۳۷۹: ۱۵۴).

در بیوتن به نمونه‌هایی از این آداب اشاره شده است. یکی از این موارد صحنه‌ای است که خشی هات‌داگش را تمام کرده و دست در کیفش می‌کند و ارمیا به‌دو می‌رود که حساب کند؛ اما متوجه می‌شود او «فقط هات‌داگ خودش را حساب کرده» (امیرخانی، ۱۳۹۰: ۴۷) و از این کار خشی تعجب می‌کند. خشی به این رسم ایرانی که یکی پول غذای همراهش را نیز حساب می‌کند، توجهی ندارد.

نمونه دیگر از آداب در رمان دست‌دادن است که نویسنده به معنای دو بار دست‌دادن در آمریکا اشاره می‌کند؛ درحالی که در فرهنگ ما دو بار دست‌دادن بر دوستی و صمیمیت زیاد دلالت می‌کند: «آرمیتا با خشی خداحافظی می‌کند. جلو می‌روم و از خشی تشکر می‌کنم می‌خواهم با او دست بدهم که دستش را عقب می‌کشد. امروز یک بار دست دادیم! ۲ بار دست دادن در روز کار گی^{۱۶} [مرد هم‌جنس‌باز] هاست.» (همان، ۵۲).

علاوه بر این‌ها، نشانه‌های آداب معاشرت در بیوتن در دو دسته بررسی می‌شوند:

۴-۲-۱. لحن کلام

افراد در گفت‌وگوهای روزمره و در موقعیت‌های مختلف از لحن‌های متفاوتی استفاده می‌کنند. در اصطلاح روایت‌شناسان، لحن علاوه بر آنکه به معنای شیوه بیان هر شخصیت است که به آن لحن گفتاری می‌گویند، به معنای ایجاد حالت و فضای خاص بیانی در داستان است که نویسنده به وسیله آن تلقی خود از موضوع داستان و شیوه مواجهه با مخاطبان را به‌نمایش می‌گذارد که به آن لحن عمومی یا لحن کلی داستان می‌گویند. لحن گفتاری در سخنان شخصیت‌های اثر نمایان می‌شود.

لحن گفتاری شخصیت‌ها در بیوتن گاه توهین‌آمیز است. عباراتی مانند «مغز خر نخورده‌ای»، «خفه شو»، «خفقان گرفته‌ام»، «گاوگیجه گرفته‌ام» و... در رمان به چشم

می‌خورد. امیرخانی در مونولوگ‌هایش نیز گاه از لحن توهین‌آمیز استفاده می‌کند: «نمی‌دانم چرا این قدر از دست خشی لجم می‌گیرد. نمی‌دانی چرا؟ نباید هم بدانی. بس که الاغی!» (همان، ۴۱). در جای دیگری نیز می‌نویسد: «نویسنده بعد از این هیچ نمی‌گوید و خفقان می‌گیرد [...]» (همان، ۱۸۵).

در این توهین‌ها ارتباطی میان طبقه و سطح تحصیلات افراد دیده نمی‌شود. از خشی و بیل تا رمزی، جیسن، ارمیا و آرمیتا هر کدام به راحتی این الفاظ را به کار می‌برند. در میهمانی همسایه‌ها، میان‌دار با وجود تذکر سوزی - که بین مردم این حرف‌ها بد است - به ارمیا می‌گوید: «این آقا ارمیا مردم نیست، امت است! راستی چه قدر حقوق می‌گرفتی از آخوندها؟ اوضاع خوب بود ایران؟» (همان، ۵۹) و باز در میهمانی: «میان‌دار می‌گوید: خشی! شات‌آپ!^{۱۷} [خفه شو] این بیزینس تو نیست. نی بر پارتی را کوفت نکن دیگر!» (همان، ۶۰).

این نمونه‌ها علاوه بر اینکه فضای حاکم بر روابط شخصیت‌های داستان را نشان می‌دهند، بیانگر روابط خشک و دور از عواطف ساکنان این سرزمین و فضای فرهنگی و اجتماعی‌ای هستند که رمان در آن رخ داده است.

۴-۲-۲. ارتباط غیرکلامی

ارتباط غیرکلامی شامل اشاره‌ها، حرکات اندام، وضع اندام، حالت‌های چهره و مانند آن‌هاست (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۸: ۱۷). در رمان *بیوتن* با طیف گسترده‌ای از ارتباط غیرکلامی روبه‌رویم که از این میان حالت‌های چهره و به‌ویژه چشم‌ها نقش بسزایی دارند. برای نمونه، نگاه خیره پیام‌های گوناگونی، مانند علاقه، عشق، آزرده‌گی، حالت تهاجمی، تعجب و عصبانیت را القا می‌کند. در این نمونه، نگاه خیره ارمیا بیان‌کننده عواطف اوست و فکر کردن و ناراحتی از آینده را به ذهن متبادر می‌کند: «ارمیا به خلاف همه‌ی تازه‌واردها که حاج و واج به در و دیوار نگاه می‌کردند، فقط به سیلورمن خیره شده بود.» (امیرخانی، ۱۳۹۰: ۱۹).

در این مثال نیز خیره ماندن چشم‌ها حاکی از تعجب و حیرت جانی است. در اینجا هم ارتباط کلامی شکل نگرفته و ارتباط غیرکلامی جایگزین آن شده است: «جانی به من خیره شده است؛ با درخشش چشم‌هایش روی پوست سیاه براق.» (همان، ۴۷).

ارتباط غیرکلامی دیگر در رمان، حرکات دست است؛ مانند این نمونه: «آرمیتا، دست می‌کند در کیف دستی‌ش و شیشه‌ای ادوکلن را به دستم می‌دهد. موقع گرفتن شیشه مراقبم که دستم به دست‌ش نخورد.» (همان، ۴۰). در جمله اول با کارکرد اولیه دست مواجه هستیم؛ اما جمله دوم، یعنی دادن ادوکلن به ارمیا با توجه به متن رمان، دارای بار عاطفی و حاکی از عشق و محبت آرمیتا به ارمیاست. در جمله سوم نیز کارکرد دست بیانگر تعلقات مذهبی ارمیاست. حرکت دست‌ها ممکن است نشانه‌ای از شادی نیز باشد. در قسمت‌های مختلف رمان میان‌دار بشکن می‌زند (ر.ک: همان، ۲۴-۴۵) یا در میهمانی همسایه‌ها، «خشی روی میز ضرب می‌گیرد و میان‌دار خود را تکان می‌دهد.» (همان، ۵۷).

۵. نتیجه

بررسی رمان *بیوتن* از دیدگاه نشانه‌شناسی بیانگر آن است که یکی از عوامل موفقیت این رمان توجه ویژه نویسنده به نشانه‌های اجتماعی است. امیرخانی به شکل مطلوبی توانسته است حضور این نشانه‌ها را در ابعاد دینی و در جنبه‌های گوناگون زندگی روزمره، از قبیل خوراک، پوشاک، شغل و... به تصویر بکشد. گوناگونی نشانه‌ها نیز در این رمان چشمگیر است. نویسنده به خوبی از نشانه‌هایی، مانند دین و اعتقادات، آداب و رسوم، و خوراک شخصیت‌ها برای بیان مقاصدش استفاده کرده و از روش‌های گوناگون ارتباط غیرکلامی، مثل لحن، ایما و اشارات، نگاه، حرکات دست و... به عنوان بستری برای بازتاب واقعیت‌های اجتماعی بهره گرفته است.

مسئله مهمی که در رمان همواره به آن تأکید می‌شود و شخصیت اصلی داستان، ارمیا، در بیشتر موارد با آن روبه‌روست، دین و اعتقادات مذهبی اوست که انعکاس آن در فصل پنجم بیشتر دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که این فصل دارای حجم بیشتری از آیات نیز است. البته، در سراسر رمان حدود سی آیه قرآنی به چشم می‌خورد که در میان

رمان‌های فارسی بی‌سابقه است. مکان نیز از موضوعات مورد توجه امیرخانی در فصل سوم است. مسئله دیگر خوراک حلال و حرام، و خوراک به منزله بازتاب‌دهنده طبقه اجتماعی افراد است. حضور مشاغل در فصل سوم و چهارم بازتاب بیشتری دارد و نام‌گذاری فصل چهارم با عنوان «پیشه» از نکات درخور توجه است. نشانه‌هایی مانند پوشاک و نام‌ها به صورت پراکنده حتی در اواخر رمان هم دیده می‌شود. بحران هویت نیز از مسائلی است که در شخصیت‌پردازی‌های بیوتن، به‌ویژه در رفتار و سخنان بعضی مهاجران تجلی یافته است.

شمار نشانه‌های آداب معاشرت نیز در این رمان فراوان است. لحن گفتاری توهین‌آمیز در گفت‌وگوی شخصیت‌ها در سراسر رمان دیده می‌شود و گاه نویسنده در مونولوگ‌هایش نیز از این لحن استفاده می‌کند که بیانگر روابط غیرصمیمانه، خشک و دور از عواطف شخصیت‌ها و فضای فرهنگی و اجتماعی‌ای است که ماجراهای رمان در آن شکل گرفته‌اند. از ارتباطات غیرکلامی فراوانی نیز در رمان استفاده شده است که حرکات چشم و دست به مراتب از انعکاس بیشتری برخوردارند.

امیرخانی در بیوتن توانسته است با کمک نشانه‌های اجتماعی و غوطه‌ور کردن خواننده در دنیایی از تخیل و واقعیت، شرایط دستیابی خواننده به درون‌مایه اجتماعی - اعتقادی متن را فراهم کند.

پی‌نوشت‌ها

1. Peirce
2. Morris
3. Halliday
4. Guiraud
5. Shame on you!
6. empire state
7. griffith observatory
8. abbreviation
9. badge
10. body gaurd
11. studio flat
12. condominium
13. Unit
14. It's none of your business

15. Happy fitr to you!
16. gay
17. Shut up

منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۸). ترجمه الهی قمشه‌ای. تهران: گلی.
- ابراهیم‌زاده گرجی، رمضان (۱۳۸۷). «تزریق پسامدرن رقیق در مفصل بیوتن». *کیهان فرهنگی*. ش ۲۶۱-۲۶۲. صص ۶۸-۷۱.
- احمدی، بابک (۱۳۸۳). *از نشانه‌های تصویری تا متن*. تهران: نشر مرکز.
- اکبری، بهمن (۱۳۸۷). «بحران هویت و هویت دینی». *پیک نور*. ش ۴. تهران: دانشگاه پیام نور. صص ۲۱۹-۲۳۱.
- امیرخانی، رضا (۱۳۹۰). *بیوتن*. تهران: علم.
- جوادی یگانه، محمدرضا و سیدعلی کشفی (۱۳۸۶). «نظام نشانه‌ها در پوشش». *مجله کتاب زنان*. ش ۳۸. صص ۶۲-۸۷.
- چندلر، دانیل (۱۳۸۶). *مبانی نشانه‌شناسی*. ترجمه مهدی پارسا. زیر نظر فرزانه سجودی. تهران: سوره مهر.
- خانیکی، هادی (۱۳۸۳). «هویت و گفتمان‌های هویتی در ایران» در *هویت در ایران*. به‌اهتمام علی‌اکبر علیخانی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی. صص ۳-۲۱.
- رئوفی، زهرا (۱۳۹۱). *بررسی تطبیقی عناصر داستان در دو رمان ارمیا و بیوتن با تأکید بر شش عنصر (پیرنگ، موضوع، درون‌مایه، لحن، شخصیت‌پردازی، زاویه دید)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادبیات فارسی. دانشگاه پیام نور. رشت.
- رحیمی‌پور حکیمی، سمانه (۱۳۸۸). *بررسی و تحلیل رمان‌های رضا امیرخانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادبیات فارسی. دانشگاه پیام نور. رشت.
- رضی، داوود (۱۳۸۱). «سنجش نگرش دانشجویان به آینده شغلی خود با توجه به عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر آن در دانشگاه مازندران». *مجله مطالعات و پژوهش‌های دانشکده ادبیات و علوم انسانی*. د ۲. ش ۳۰-۳۱. دانشگاه اصفهان. صص ۲۹۵-۳۲۶.

- ریچموند، ویرجینیایی و جیمز سی. مک کروسکی (۱۳۸۸). *رفتارهای غیرکلامی در روابط میان فردی* (درس‌نامه ارتباطات غیرکلامی). ترجمه فاطمه سادات موسوی و ژیللا عبدالله پور. زیر نظر غلامرضا آذری. تهران: دانژه.
- زند و کیلی، مهدی (۱۳۷۶). «دین نهادی اجتماعی یا حقیقتی فرانهادی؟». *مجله مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*. ش ۱. صص ۳۰-۳۳.
- ساسانی، فرهاد (۱۳۸۹). *معناکاوی: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی*. تهران: علم.
- سجودی، فرزاد (۱۳۹۰). *نشانه‌شناسی: نظریه و عمل*. تهران: علم.
- شعبانی، رضا (۱۳۷۷). *مبانی تاریخ اجتماعی ایران*. تهران: قومس.
- شعیری، حمیدرضا و ترانه وفایی (۱۳۸۸). *راهی به سوی نشانه-معناشناسی سیال؛ با بررسی موردی قنوس نیما*. تهران: علمی و فرهنگی.
- عمادزاده، حسین (۱۳۷۵). *تاریخ انبیا (از آدم تا خاتم)*. تهران: اسلام.
- فتحی، حسین (۱۳۹۰). «نشانه‌شناسی مرکززدایی و انزوای سوژه در داستان سگ ولگرد». *ادب پژوهی*. ش ۱۵. دانشگاه گیلان. صص ۸۳-۹۶.
- کوئن، بروس (۱۳۷۹). *درآمدی به جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: توتیا.
- گرجی، مصطفی و یوسف‌رضا حامدی (۱۳۸۹). «بررسی و تحلیل رمان بیوتن با تأکید بر عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی». *بیک نور*. ۱۵. ش ۱. دانشگاه پیام نور. صص ۱۶۱-۱۸۳.
- گیرو، پی‌یر (۱۳۸۳). *نشانه‌شناسی*. ترجمه محمد نبوی. تهران: آگاه.
- مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۳). *دایرةالمعارف فارسی*. ج ۱. تهران: امیرکبیر.
- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۴). *دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر*. ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگاه.
- میردریگوندی، رحیم (۱۳۷۹). «شغل، رضایت شغلی و روش‌های ارزیابی آن». *معرفت*. ش ۳۸. صص ۶۴-۷۷.
- نقابی، عفت و کلثوم قربانی جویباری (۱۳۸۹). «نشانه‌شناسی اولین رمان اجتماعی ایران». *زبان و ادبیات فارسی* (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی). س ۸. ش ۶۷. صص ۱۹۳-۲۱۶.
- نوری، علی‌رضا (۱۳۸۱). «معیارهای اسلامی پوشش زنان و الگوی مصرف آن». *اندیشه صادق*. ش ۸-۹. صص ۱۲۲-۱۲۹.

- *Holy Quran* (1999). Elahi Ghomshei (Trans.). Tehran: Goli. [In Persian]
- Ebrahim Zadeh, R. (2008). "Injection of Diluted Postmodern in Bioten Joints". *Keyhân-e-Farhangi*. No. 261- 262. Pp. 68- 71. [In Persian]
- Ahmadi, B. (2004). *From Visual Signs to Text*. Tehran: Publication Markaz. [In Persian]
- Akbari, B. (2008). "Identity Crisis and Religious Identity" *Peyk-e-Nur*. No.4. Tehran. Payam-e-Nour University. Pp. 219- 231. [In Persian]
- Amir Khani, R. (2011). *Bioten*. Tehran: 'Elm. [In Persian]
- Javadi Yeganeh, M.R. & S. Ali Kashfi (2007). "System of Signs in Coverage". *Women Book Mag*. No. 38. Pp. 62- 87. [In Persian]
- Chendler, D. (2007). *Basics of Semiotics*. M. Parsa (Trans.). F. Sojoudi (Review). Tehran: Soure-ye-Mehr. [In Persian]
- Khaniki, H. (2004). "Identity and Identity Dialogues in Iran" in A. Alikhani (Rev.). *Identity in Iran*. Tehran: Human Science and Social Research Center of Jihad. Pp. 3- 21. [In Persian]
- Raoufi, Z. (2012). *Comparison Study of Story Elements in Two Stories: Ermia and Bioten with Emphasis on Six Elements (Theme, Subject, Tone, Characterization and Perspective)*. M.A Thesis of Persian Literature. Rasht. Payam-e-Nour University. [In Persian]
- Rahimipour Hakimi, S. (2009). *Study and Novel Analyzes of Reza Amirkhani*. M.A Thesis of Persian Literature. Rasht. Payam-e-Nour University. [In Persian]
- Razi, D. (2002). "Evaluation of Students Attitude Toward Their Future Job with Respect to Its Effective Social and Economic Factors in Mazandaran University". *Research and Studies of Human Science and Literature Faculty mag*. 2nd Ed. No. 30- 31. Isfahan. University of Isfahan. Pp 295- 326. [In Persian]
- Richmond, V. & J. Mc Krooski (2009). *Non Verbal Behaviours in Interpersonal Relationships (Non-Verbal Communication Course)*. F. Mousavi & Z. Abdollah Pour (Trans.). Gh. Azari (Supervision). Tehran: Danzhe. [In Persian]
- Zand Vakili, M. (1997). "Religious: A Social Institution or a Hyper-Institution Fact?" *Islamic Azad University*. No. 1. Pp. 30- 33. [In Persian]
- Sasani, F. (2010). *Meaning Mining: Toward Social Semiotic*. Tehran: 'Elm. [In Persian]
- Sojoudi, F. (2011). *Semiotic: Theory and Action*. Tehran: 'Elm. [In Persian]
- Shabani, R. (1998). *Principles of Iran Social History*. Tehran: Ghoumes. [In Persian]
- Sha'iri, H.R. & T. Vafaei (2009). *A Way to the Sign-Fluid Meaningfulness; Case Study of Nima's Ghoghnoos*. Tehran: Scientific and Cultural Publication. [In Persian]
- Emad Zadeh, H. (1996). *History of Prophets (from 'Adam to Mohammad)*. Tehran: Islam Publication. [In Persian]

- Fathi, H. (2011). "Semiotic of Decentralization and Subject Isolation in Story of Stray Dog". *A Literature Research. No. 15*. Rasht. Guilan University. Pp. 83- 96. [In Persian]
- Koen, B. (2000). *An Introduction on Sociology*. M. Salasi (Trans.). Tehran: Toutia. [In Persian]
- Gorji, M. & Y.R. Hamed (2010). "Study and Analysis of Bioten Story with Emphasis on Character and Characterization". *Peyk-e-Nur. No. 1. Vol. 1*. Tehran: Payam-e-Nour University. Pp. 161- 183. [In Persian]
- Giroo, P. (2004). *Semiotic*. M. Nabavi (Trans.). Tehran: Agah. [In Persian]
- Mosahab, Gh. (2004). *Persian Encyclopedia. Vol. 1*. Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Mekarik, I.R. (2005). *Encyclopedia of Current Literature Theories*. M. Mohajer & M. Nabavi (Trans.). Tehran: Agah. [In Persian]
- Mirderikvandi, R. (2000). "Job, Job Satisfaction and Methods of Evaluation". *Ma'refat. No. 38*. Pp. 64- 76. [In Persian]
- Neghabi, E & K. Ghorbani (2010). "Semiotics of Iran's First Social Novel". *Persioan Literature and Language (Human Science and Literature Faculty). Yr. 8. No. 67*. Pp. 193- 216. [In Persian]
- Nouri, A. (2002). "Islamic Benchmarks for Women Wearing and Its Usage Pattern". *'Andiše-ye-Sadeq. No. 8- 9*. Pp. 122- 129 [In Persian]



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز